

Dignity-Oriented Crime Prevention in the Light of Teachings of Islamic Jurisprudence

Soheila Ebrahimzadeh¹, Shahraddar Darabi^{2}*

1. Ph.D Student in Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

(Received: May 12, 2020; Accepted: July 1, 2020)

Abstract

Necessity of observation of human dignity in crime prevention strategy requires that individuals' liberties are not restricted on the excuse of crime prevention. This matter appears, on the one hand, in the expansion of free space and reduction of controlled spaces and, on the other hand, in the formation of a thought-out strategy by the governments that observes human dignity in the form of social policies in order to prevent crime. In the meantime, crime prevention regulation, the purpose of which is to respect individuals' rights and freedoms and to determine the scope of implementation of active preventive strategies, has been always emphasized and focused in Islamic teachings under the titles like advocating the privacy, dignity and freedom of humans. However, this criterion has faded in most of Western countries and the consequences of continuation of this challenge have been more crystallized for the citizens of these countries. Accordingly, the doctrines of Islamic jurisprudence is full of teachings which focus on active preventive policies along with respecting human dignity and explain punishments for the violators. This article aims to explain dignity-oriented crime prevention in the light of teachings of Islamic jurisprudence and religious sources and to describe its different aspects and manifestations.

Keywords: Prevention, Crime, Human Dignity, Jurisprudence, Criminal Policy.

* Corresponding Author, Email: Shahrdad.darabi@yahoo.com

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۱۱۶۱-۱۱۳۳ (مقاله پژوهشی)

پیشگیری کرامت‌مدار از جرم در پرتو آموزه‌های فقه اسلامی

سهیلا ابراهیم‌زاده^۱، شهرداد دارابی^{۲*}

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

۲. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۱)

چکیده

ضرورت مرعی داشتن کرامت انسانی در راهبرد پیشگیری از جرم مستلزم عدم تضییق آزادی‌های افراد به بهانه پیشگیری از جرم است، این مهم، از یک سو در توسعه فضای آزاد و کاهش فضاهای کنترل‌شده و از سوی دیگر، در شکل‌گیری راهبرد سنجیده دولت‌های ملتزم به کرامت انسانی در قالب تدابیر اجتماعی، جهت پیشگیری از جرم نمایان می‌شود. در این میان ضابطه‌مند شدن پیشگیری از جرم که غرض از آن رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و تعیین حدود و ثغور اجرای راهبردهای کنشی پیشگیرانه است، همواره در آموزه‌های اسلامی تحت عناوینی همچون حمایت از حریم خصوصی، کرامت و آزادی انسان مورد تأکید و تصریح قرار گرفته است؛ شاخصه‌ای که در بسیاری از کشورهای غربی رنگ باخته و تبعات ناشی از استمرار این چالش را برای شهروندان این کشورها بیش از پیش متبلور ساخته است. بر این اساس آموزه‌های فقه اسلامی سرشار از تعالیمی است که بر تدابیر پیشگیری کنشی با رعایت کرامت انسانی تأکید ورزیده و عقوبت‌هایی را برای ناقضان آن بیان کرده است. هدف از این نوشتار تبیین پیشگیری کرامت‌مدار از جرم در پرتو آموزه‌های فقه اسلامی و منابع شرعی با تشریح جنبه‌ها و جلوه‌های آن است.

واژگان کلیدی

پیشگیری، جرم، سیاست جنایی، فقه، کرامت انسانی.

۱. مقدمه

سیاست جنایی به‌عنوان مجموعه تدابیری که بدنهٔ اجتماع در مقابله با بزهکاری به‌کار می‌بندد، در هر مکتب یا کشوری از نظر اولویت‌بخشی به مسئلهٔ امنیت، برابری و آزادی متفاوت است؛ نظام‌های سیاسی براساس جهان‌بینی و رویکرد ارزشی بنا نهاده‌شدهٔ خود، ساختارهای متناسب در قالب سیاست جنایی را بنا می‌نهند.

یکی از راهبردهای سیاست جنایی، پیشگیری از جرم است که در این عرصه با جرم‌شناسی پیشگیری ارتباط نزدیکی دارد. در این زمینه پیشگیری به معنای جلوگیری از تبدیل اندیشهٔ مجرمانه به عمل یا دشوار کردن ارتکاب آن است، به‌نحوی که شهروندان بهتر حمایت شوند و دولت نیز کمتر در امر مجازات سرمایه‌گذاری کند. برای اعمال این اقدامات غیر قهرآمیز، رضایت ذی‌نفع الزامی است، زیرا برخلاف ضمانت اجرای کیفری که یکسویه اعمال می‌شود و مجرم نمی‌تواند در وجاهت آن دخالتی کند، در این نوع پیشگیری جنبهٔ اقناعی مناط اعتبار است.

اسلام به‌عنوان یک مکتب، در سیاست جنایی خود علاوه‌بر پرداختن به اقدامات واکنشی و کیفری در راستای مقابله با جرائم، برای اقدامات کنشی پیشگیرانه نیز اهمیت ویژه‌ای قائل است و در واقع راهبرد اصلی و اولیهٔ خود را بر سیاست‌های غیرکیفری بنا نهاده و تدابیر کیفری را به‌عنوان آخرین راهکار مقابله با مجرمان در نظر گرفته است. همچنین از آنجا که از نگاه آموزه‌های اسلامی خداوند به همهٔ فرزندان حضرت آدم کرامت ذاتی بخشیده است، آنچنان‌که سیاست جنایی اسلام در اتخاذ راهکارهای کنشی بر صیانت از کرامت انسانی و تضمین حقوق و آزادی‌های مشروع افراد در برابر کنشگران عرصهٔ پیشگیری توجه ویژه داشته است. از این‌رو امام صادق(ع) فرموده‌اند: «سه چیز است که همهٔ انسان‌ها بدان نیازمندند: امنیت، عدالت و رفاه».

۱. «ثَلَاثَةٌ أُشْبَاهُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ.»

حفظ امنیت شهروندان و نهادهای حاکمیت، رسالت عدالت‌کیفری است، این مهم شامل تضمین حق شهروندان بر امنیت جانی، مالی و اخلاقی در برابر مجرمان از یک سو و تضمین حق شهروندان (از جمله متهمان و بزه‌کاران) بر امنیت حقوقی - قضایی یعنی حقوق و آزادی‌های فردی در مقابل نهادهای عدالت‌کیفری از سوی دیگر است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۱۲). با این حال عدم پاسداشت کرامت انسانی به بهانه تأمین امنیت و گسترش جرائم، به‌ویژه در برخی کشورهای غربی مسئله‌ای است که شهروندان را با محدودیت‌های بسیاری مواجه ساخته است، معضلی که هدف قرار دادن پیشگیری را با استفاده از هر وسیله‌ای توجیه می‌کند.

مطالعه پیشگیری کرامت‌مدار از جرم در پرتو آموزه‌های فقه اسلامی موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. از این رو پرسش اساسی این پژوهش آن است که مهم‌ترین شاخصه‌های پیشگیری کرامت‌مدار در پرتو آموزه‌های فقه اسلامی چیست؟ برای پاسخگویی به این پرسش، با خط‌مشی روش‌شناختی توصیفی - تحلیلی، به بررسی موضوع از منظر منابع قرآنی، روایی و قانونی پرداخته می‌شود. به این منظور، ابتدا هنجارمندسازی پیشگیری کرامت‌مدار از جرم در آموزه‌های دین اسلام بررسی شده، سپس عدم توجیه وسیله با هدف پیشگیری در دین مبین اسلام و در انتها رویکرد علت‌مدار در پیشگیری اسلامی از جرم تبیین خواهد شد.

۲. هنجارمندسازی پیشگیری کرامت‌مدار از جرم در آموزه‌های دین اسلام

اسلام به‌عنوان یک مکتب، در سیاست جنایی خود علاوه بر پرداختن به اقدامات واکنشی و کیفری در راستای مقابله با جرائم، برای اقدامات کنشی پیشگیرانه نیز اهمیت ویژه‌ای قائل است و در واقع راهبرد اصلی و اولیه خود را بر سیاست‌های غیرکیفری بنا نهاده و تدابیر کیفری را به‌عنوان آخرین راهکار مقابله با مجرمان در نظر گرفته است.

چنانکه پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «ادروا الخُدود عن المسلمین ما استطعتم»، یعنی تا آنجا که می‌توانید مجازات را از مسلمین دفع کنید (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۶: ۴۱۶ و ۴۱۷). امیرالمؤمنین علی (ع) نیز پس از بیعت مردم با ایشان و تقاضای گروهی از صحابه

برای به کیفر رساندن شورشیان بر ضد عثمان ضمن فراخواندن آنان به حفظ آرامش می‌فرماید: «وَسَأْمِسِكُ الْأَمْرَ مَا اسْتَمْسَكَ وَإِذَا لَمْ أَجِدْ بُدْأً فَأَخِيرُ الدَّوَاءِ الْكَيُّ»، یعنی به‌زودی این مسئله را با مدارا حل می‌کنم تا وقتی که مدارا ممکن باشد و هرگاه چاره‌ای نیابم آخرین دوا داغ نهادن است (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۸: ۲۲۹).

در سیاست جنایی اسلام سه مرحله برای مبارزه علیه بزهکاری وجود دارد که مکمل یکدیگرند: مرحله اول قبل از تصمیم قطعی به ارتکاب جرم؛ سیاست جنایی در این مرحله با تدابیر اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به‌دنبال ایجاد جامعه‌ای سالم است، به‌صورتی که تصمیم به ارتکاب جرم در ذهن افراد شکل نگیرد. مرحله دوم پس از تصمیم قطعی فرد به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه است؛ چنانچه شیوه‌های مرحله اول مؤثر واقع نشد، راه‌حلی به‌کار گرفته می‌شود تا شخص مصمم نتواند تصمیم خود را عملی کند. در این مرحله باید شیوه‌هایی به‌کار گرفته شود که وقوع عمل مجرمانه را دشوار یا ناممکن سازد.

مرحله سوم مربوط به پس از اجرای هدف مجرمانه و تحقق بزهکاری است و به سزادهی و بازسازی مجرمان می‌پردازد. بنابراین در آموزه‌های اسلامی راهکارهای پیشگیری اجتماعی و مقابله با ریشه‌های فساد، از طریق تربیت و فرهنگ‌سازی در اولویت قرار دارد (میرخلیلی، ۱۳۹۴: ۳۰۸). از این‌رو تدابیر توان‌افزای کنشی بر اقدامات واکنشی قهرآمیز همواره رجحان دارد و مسئولان جوامع اسلامی را به پیشگیری حداکثری و مجازات حداقلی رهنمون می‌سازد.

امیرالمؤمنین علی (ع) در خصوص پیشگیری اولیه و شتاب در تربیت فرزند پیش از سخت شدن دل، قلب نوجوان را به زمین کاشته‌نشده‌ای تشبیه کرده‌اند که آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود: «إِنَّمَا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ» (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). ایمان و تقوا نیز به‌مثابه پلیس درونی، مؤثرترین راهکار پیشگیری کنشی از ارتکاب گناه و جرم شناخته شده است. امام علی (ع) در خطبه مشهور متقین هم‌ام در توصیف مؤمنان آورده‌اند: «وَشُرُورُهُمْ

مَأْمُونَةً»، یعنی مردم از آزارشان در امان هستند (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۴: ۲۸۷). چراکه انسان مؤمن با اعتقاد به نظارت خداوند بر اعمال خویش «إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (احزاب: ۴۵) و حکمت امتحانات الهی و اعتقاد به حیات اخروی و پاداش و عذاب وعده داده شده از جانب پروردگار «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال: ۷ و ۸) به مرحله‌ای از خودکنترلی می‌رسد که بی‌هیچ اجباری و بدون نیاز به مداخلات موقعیت‌مدارانه، از ارتکاب اعمال انحرافی پرهیز می‌کند.

در کنار توجه به مباحث تربیتی فردمدارانه، توصیه و تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان راهکار کنشی جامعه‌ی به‌منظور مقابله با عوامل جرم‌زای محیطی بخش دیگری از تدابیر پیشگیرانه آموزه‌های اسلامی را تشکیل می‌دهد. در مکتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر با عنوان دفاع اجتماعی در مقابل دفاع مشروع یاد شده است.

امام محمدباقر(ع) در خصوص تأثیر پیشگیری جامعه‌ی و مشارکت جامعه مدنی در ایجاد امنیت و آرامش فرموده‌اند که اجرای امر به معروف و نهی از منکر موجب امن شدن راه‌ها، رونق تجارت‌ها، حلال بودن کسب‌ها، آباد بودن زمین، گرفتن حق از دشمن‌ها و قوی‌تر شدن حکومت‌ها می‌شود (عابدزاده، ۱۳۹۸: ۱۸۸). به‌نظر می‌رسد اوصافی مانند اختیار و خودانگیختگی، آگاهی، وجود نفخه الهی و برخورداری از قدرت تعقل و تفکر حاکی از ظرفیت‌هایی در نهاد آدمی است که برای توجیه کرامت‌مندی انسان کافی است (عارفی، ۱۳۹۲: ۶۲)، از این‌رو تدوین سیاست‌های پیشگیرانه از جرم می‌بایست با مبنا قرار دادن این مهم همراه باشد که حقوق بشری جزء لاینفک وجودی انسان بوده و لازم است ضمن تکریم شخصیت شهروندان از هرگونه اقدامی که شامل تدابیر نقض‌کننده یا تبعیض‌آمیز نسبت به این موضوع است، اجتناب ورزید.

به این اعتبار است که کرامت انسان بزه‌دیده، بزه‌کار، حقوق و آزادی‌های فردی اعضای جامعه به نوبه خود در سیاست جنایی موضوعیت پیدا می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸: ۴۷). به هر رو، مکتب اسلام از تدابیر کنشی موقعیت‌مدار نیز غافل نبوده و آموزه‌هایی در منابع اسلامی موجود است که به آنچه امروزه تحت عنوان پیشگیری وضعی یاد می‌شود، بسیار نزدیک است.

پیشگیری وضعی که به دنبال تغییر وضعیت پیش جنایی از طریق کاهش جذابیت آماج‌ها یا دشوارسازی ارتکاب جرم، به منظور منصرف کردن بزه‌کار بالقوه از تصمیم خود است، با تعبیری نظیر دفع منکر، سد ذرایع و حرمت مقدمه حرام، در منابع فقهی قرابت دارد. به‌طور مثال، از منظر مرحوم خوئی معنای دفع منکر، ناتوان کردن مرتکب از انجام عمل مجرمانه در خارج است؛ خواه به اختیار خود دست از عمل مجرمانه بکشد یا نتواند آن را انجام دهد: «أن دفع المنکر إنما یجب إذا کان المنکر ممّا اهتم الشارع بعد وقوعه کقتل النفوس المحترمه، وهتک الأعراس المحترمه، ونهب الأموال المحترمه... فان معنی دفع المنکر هو تعجیز فاعله عن الإتیان به و إیجاده فی الخارج سواء ارتدع عنه باختیاره أم لم یرتدو النهی عن المنکر لیس إلا ردع الفاعل و زجره عنه علی مراتبه المقرره فی شریعه المقدسه» (خوئی، ۱۳۷۵: ۱۸۱) و به نظر امام خمینی (ره) اگر پیشگیری از جرم متوقف به ورود به منزل یا ملک مجرم و یا تصرف در اموال وی؛ مانند محل سکونت و زندگی او باشد، جایز است، در صورتی که جرم در حال وقوع از امور مهمی باشد که خداوند به هیچ وجه راضی به انجام آن نیست، نظیر قتل نفس و نیز بیان داشته‌اند که نزدیک‌تر به قواعد فقهی آن است که دفع منکر و بازداشتن از کاری که منشأ فساد باشد واجب است (میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بنابراین دفع منکر صرفاً مربوط به زمان قبل از وقوع منکر بوده، به معنای عاجز کردن و ناتوان ساختن فاعل پیش از ارتکاب منکر است و به وظیفه مسلمانان در جلوگیری از تحقق بزه اشاره می‌کند.

در این میان، سد ذرایع نیز ممنوع کردن یک امر مجاز است تا وسیله ارتکاب امر غیرمجاز دیگری قرار نگیرد. در فقه امامیه حرمت مقدمه حرام به این معنا نزدیک است. مقدمه حرام همان امری است که برای تحقق عمل حرام لازم در ابتدا واقع شود. از این رو خرید و فروش کاغذ اگرچه به خودی خود حرام نیست، چنانچه به قصد تهیه کتب ضاله باشد، حرام خواهد بود.

در روایتی از امام صادق (ع) در خصوص پیشگیری وضعی که منجر به ناتوان ساختن فاعل از ارتکاب جرم برخلاف میل و اراده اوست آمده است، فردی از تمایل مادرش به رابطه نامشروع، به پیامبر اکرم (ص) اطلاع می‌دهد و ایشان می‌فرماید که مادرت را حبس کن

و چون آن مرد می‌گوید از حبس نتیجه‌ای حاصل نشده پیامبر(ص) می‌فرماید مادرت را با بند مقید کن، زیرا بهترین کاری که در حق مادرت می‌توانی انجام دهی منع کردن وی از ارتکاب محرمات است. «جاء رجل إلى رسول الله (ص) فقال: إن أُمِّي لا تدفع يد لامس فقال: فحبسها، قال: قد فعلت، قال: فامنع من يدخل عليها، قال: قد فعلت، قال: قيدا فانك لا تبرها بشيء أفضل من أن تمنعها من محارم الله عزوجل» (حر عاملی، ۱۳۸۷: ۱۱۴ و ۴۱۵). بنابراین سیاست جنایی اسلام علاوه بر توجه به مقابله با ریشه‌های فساد و پیشگیری اجتماعی، از برخورد‌های کنشی موقعیت‌مدار نیز غافل نبوده است و در جایی که ظرفیت جنایی بالایی در فرد وجود داشته باشد، به طوری که حالت خطرناک خود را آشکار سازد، تدابیر محدودکننده آزادی در راستای پیشگیری وضعی پذیرفته شده است.

در خصوص نقش شرایط پیش‌جنایی در تحقق جرائم، پیامبر گرامی اسلام(ص) در روایتی در مورد حرمت شرب خمر به جز شارب آن نه گروه دیگر از اعضای جامعه را هم که پیش از ارتکاب فعل حرام در ایجاد شرایط تحقق گناه یا همان شرایط پیش‌جنایی نقش داشته‌اند، لعن کرده‌اند: «لعن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فی الخمر عشرة: غارسها و حارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و حاملها و المحمולה إلیه و بايعها و مشتريها و آكل ثمنها» (قربانی لاهیجی، ۱۳۸۴: ۴۷). از بین ده نفر یادشده در این حدیث، شارب خمر مباشر است و بقیه افراد معاون جرم هستند که حرمت اعانت بر اثم و تأکید بر عدم تعاون در جرم و گناه و انتفای شرایط پیش‌جنایی به خوبی استنباط می‌شود. همچنین در خصوص نقش بزه دیده و سبک زندگی وی در پیشگیری وضعی از بزه دیده واقع شدن خداوند متعال چنین می‌فرماید: «ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آن‌ها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس رانان) آزار نکشند بسیار نزدیک‌تر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است» (احزاب: ۵۹)¹.

۱. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْبِرْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا».

اکنون با توجه به اهمیت شأن و کرامت ذاتی انسانی و تهدیدی که اقدامات کنشی وضعی با پیشروی در فضای آزاد می‌تواند برای حقوق بنیادین افراد بشر به وجود بیاورد، در ادامه سیاست جنایی اسلام، در به‌کارگیری تدابیر کنشی پیشگیرانه از دو منظر میزان رعایت و اهمیت دادن به کرامت انسان و همچنین سهم پیشروی در حریم خصوصی آنان با استناد به آیات و روایات بررسی می‌شود.

۳. تأکید بر کرامت انسانی در تدابیر کنشی پیشگیرانه

احترام به کرامت انسانی که از حقوق بنیادین بشر بوده و امروزه حکومت‌ها در راهبردهای سیاست جنایی خود ملزم به حفظ و رعایت آن هستند، سال‌ها پیش از آنکه در قالب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد، در شریعت اسلام همواره مورد حمایت قرار گرفته است. نوعی از کرامت، ذاتی و خدادادی است که شرافت انسان نسبت به سایر موجودات را نشان می‌دهد. نوع دیگر کرامت اکتسابی است که انسان با اعمال خود می‌تواند آن را کسب کند.

خداوند متعال در آیه ۷۰ سوره اسرا می‌فرماید: «ما بنی آدم را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا سوار کردیم و از چیزهای پاکیزه، روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم و در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «بهترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست.»

برخلاف دیدگاه مکتب اثباتی که گروهی از انسان‌ها را فاقد کرامت ذاتی دانسته و با تعبیری همچون مجرم مادرزاد و میکروب اجتماع از او یاد کرده است، از نگاه آموزه‌های اسلامی خداوند به همه فرزندان حضرت آدم کرامت ذاتی بخشیده است و روح خدایی در آنان دمیده شده به همین دلیل مسجود ملائک قرار گرفته‌اند.^۱ (حجر: ۲۹). پیامبر اسلام (ص)

۱. «و كَرَّمْنَا بَنِي حَمَلِنَاهُمْ لَقَدْ فِي آلِبَرِ وَّ آدَمَ الْبَحْرِ وَّ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَّ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا وَّ تَفَضَّلْنَا.»

۲. «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ.»

۳. «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَّ نَفَخْتَ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعْوَالَهُ مِّنَ السَّاجِدِينَ.»

نیز هدف بعثت خود را رساندن افراد بشر از این کرامت ذاتی به درجات بالای کرامت اکتسابی بیان داشته‌اند^۱ و هیچ‌گاه کافر و مؤمن در دیدگاه اسلام از شأن و کرامت اکتسابی برابر برخوردار نخواهند بود. چنانکه امام صادق(ع) جایگاه و حرمت مؤمن را از کعبه بالاتر دانسته‌اند^۲. بنابراین افراد حتی اگر مسلمان نباشند، دارای کرامت ذاتی‌اند.

در متون اسلامی جلوه‌های مهمی از این حق به تصویر کشیده شده است که در رأس آنها رحمت است. همان‌طور که رحمت الهی بر همه موجودات و به‌ویژه انسان‌ها سایه گسترده است، حاکم اسلامی نیز باید مظهر رحمت الهی و حافظ کرامت انسانی و مقام و منزلت افراد جامعه باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۱۳)؛ آنچنان‌که حق بر مجازات نشدن در پرتو رفتار کرامت‌مدار با شهروندان و حاکمیت اصل برائت عینیت می‌یابد.

از این رو امام علی(ع) خطاب به والی مصر می‌فرماید: «وَأَشْعُرُ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أُخْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ»، مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش... زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادران دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۵). بنابراین در فقه اسلامی احترام به جان و مال افراد، تنها شامل جان مسلمانان نمی‌گردد، بلکه شامل آن دسته از اهل ذمه نیز می‌شود که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند. براساس موازین فقهی حتی نمی‌توان متعرض اموال غیرمسلمین شد و در صورتی که کسی خوک یا شراب کافر ذمی را معدوم نماید، در قبال آن ضامن خواهد بود^۳ (محقق کرکی، ۱۳۷۲: ۳۹).

علاوه بر مال و جان، آبروی افراد نیز دارای احترام است؛ کسی نمی‌تواند به‌استثنای مواردی که شریعت تعیین کرده است، متعرض آبروی خود یا دیگران شود. اسلام،

۱. «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

۲. «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ».

۳. «الْجَارِيَةُ عَلَى الْخَمْرِ وَالْخَنزِيرِ وَنَمْنَعُ مِنْ غَضَبِهَا وَإِتْلَافِهَا، وَنُوجِبُ عَلَى مُسْلِمٍ رَدَّهَا وَضَمَانَ الْقِيَمَةِ عِنْدَهُمْ».

علاوه بر حفظ آبروی مسلمانان، نسبت به مسلمانان نیز توصیه فرموده است و به کسی اجازه نمی‌دهد که فردی از آنان را مورد دشنام و تمسخر قرار دهد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند» (حجرات: ۱۱). از سوی دیگر براساس قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام به‌عنوان یک قاعده فقهی عام که به‌منظور حفظ حقوق همه انسان‌ها و تنظیم روابط اجتماعی و جلوگیری از اخلال در نظم جامعه تشریح شده است، ضرر رساندن به کرامت انسان نیز ممنوع است.

در مورد معنای ضرر و ضرار نظریات مختلفی بین فقها مطرح شده است. به‌طور مثال از نظر امام خمینی (ره) از حدیث لاضرر دو نکته استفاده می‌شود: ۱. تحریم آسیب مالی و جانی به دیگران؛ ۲. ممنوعیت ایجاد فشارهای روحی و به‌وجود آوردن تنگنا و سختی برای دیگران. و اینکه در مورد زیان‌های مادی واژه ضرر و در مورد زیان‌های معنوی واژه ضرار استعمال می‌شود. از نظر شهید صدر، ضرر در معنای نقص، یا در نفس است یا در مال یا در آبرو و در مورد آبرو باید با تعبیری عام‌تر استفاده کنیم و آن کرامت و آبروست. بنابراین هرگونه کاستی در هر کدام از این موارد (جان، مال، آبرو و کرامت) پیش بیاید، بدون هیچ اشکالی ضرر محسوب می‌شود (غفوری چرخابی و قدرتی، ۱۳۹۷: ۲۸۹) در مجموع می‌توان گفت هرچند در مورد نفس و مال کلمه ضرر استعمال شایع‌تری دارد و در مورد فقدان احترام و حفظ آبرو کمتر استفاده می‌شود، قاعده مذکور هم جنبه مادی و هم جنبه

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِاللِّقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ».

معنوی زیان‌های وارده را در برمی‌گیرد. بنابراین با توجه به اهمیت و تأکید بر کرامت انسانی در آموزه‌های اسلامی که شامل صیانت از جان، مال و آبروی افراد می‌شود و براساس قاعده فقهی لاضرر؛ احترام به جان و مال و آبروی افراد در تدابیر پیشگیرانه کنشی لازم می‌آید، چراکه ضرر در این قاعده هم ضرر مادی و هم ضرر معنوی را شامل می‌شود و خدشه‌دار کردن حیثیت و کرامت انسان در راستای پیشگیری کنشی از جرم با قاعده لاضرر منافات دارد و مورد تأیید شریعت اسلام نخواهد بود.

۴. تأکید بر تعیین حدود و ثغور پیش روی در حریم خصوصی افراد

احترام به حریم خصوصی افراد اعم از حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی مکانی، حریم خصوصی اطلاعات و ارتباطات، از جمله مصادیق حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود که انتظار می‌رود دولت‌ها در تدابیر سیاست جنایی خود بر رعایت آن اهتمام ویژه داشته باشند. اگرچه این مهم در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد حمایت واقع شده است، پرداختن به موضوع حریم خصوصی قدمتی بیش از این دارد و پیش از آنکه از سوی جوامع غربی مورد توجه قرار بگیرد، در سیاست جنایی اسلام قویاً مورد حمایت قرار گرفته است.

در آموزه‌های اسلامی که برگرفته از قرآن و سیره رسول الله (ص) و اهل بیت (ع) است، حفظ حریم خصوصی اشخاص هم مسئولیت تک‌تک افراد جامعه و هم مسئولیت زمامداران دولت اسلامی است و نقض این حریم علاوه بر جزای اخروی کیفر دنیوی نیز به‌همراه خواهد داشت. در این خصوص آیات و روایات فراوانی موجود است.

تحریم صریح ورود بدون اجازه به منازل و خلوتگاه افراد در کلام الله، از آشکارترین نمونه‌های حمایت مکتب اسلام از حریم خصوصی افراد است، هنگامی که خداوند متعال می‌فرماید: «ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و ادب انسانیت) شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید و اگر کسی را

نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید، و چون (به خانه‌ای درآمید و) گفتند: برگردید، به زودی بازگردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است، و خدا به هر چه می‌کنید داناست» (نور: ۲۷-۲۸). بنابراین ورود به حریم خصوصی افراد موقوف به معرفی خود به اهل منزل و استیذان و کسب اجازه از صاحب‌خانه شده است. این موضوع در سوره بقره نیز به این نحو بیان شده است که: کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید (آنچنان که در جاهلیت در حال احرام مرسوم بود)؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید (بقره: ۱۸۹). همچنان که سیره پیامبر اسلام (ص) آن بود که حتی برای ورود به منزل دختر خود، حضرت فاطمه (س)، هیچ‌گاه بدون سلام و کسب اجازه اقدام نمی‌کردند (خواججه پیری، ۱۳۹۶: ۱۹۸). لهذا گرفتن اذن ورود مبین آن است که ضابطان نمی‌توانند در هر شرایطی و در راستای پیشگیری از جرم وارد خانه‌های مسکونی یا اماکن غیرمسکونی شوند تا کشف اسراری کنند.

۵. حفظ شأن انسان در راهبرد پیشگیری کرامت‌مدار از جرم

ایجاد جامعه امن و فعالیت‌های پیشگیرانه دولت‌ها نباید به مخدوش ساختن حقوق و آزادی‌های اساسی افراد جامعه منجر شود. واقعیتی که با امعان نظر به نوع نگرش برخی کارگزاران سیاست جنایی در کشورهایی مانند انگلستان یا آمریکا، تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه می‌تواند به نقض حقوق شهروندی، تحدید یا نفی آزادی‌های مشروع منتهی شود و به عبارتی در راستای تأمین امنیت، امنیت حقوقی افراد جامعه مخدوش شود.

بر این ابتننا، ممنوعیت تجسس در زندگی دیگران نیز از مهم‌ترین موضوعاتی است که در راستای حمایت از حریم خصوصی افراد در قرآن آمده است، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ فَإِنْ

لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ.»

۲. «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مِنَ اتَّقَى وَآتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.»

پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید» (حجرات: ۱۲)^۱.
از این رو خداوند مردم را از هرگونه کنجکاوی در امور پنهانی و زندگی شخصی افراد منع کرده است.

امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر که به عهدنامه مالک مشهور است می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَبْعَدُ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَأَشْنُوهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبَهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ؛ فَإِنَّ فِي النَّاسِ غُيُوباً أَلْوَالِي أَحَقُّ مِنْ سَتْرَهَا»، از رعیت آنان را که عیب جوترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر هر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۴۰۵). امام صادق (ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید:

«لَا تَطْلُبُوا عَثْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ تَتَبَعَ عَثْرَاتِ أَخِيهِ، تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ، وَ مَنْ تَتَبَعَ اللَّهُ عَثْرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ»، درباره لغزش‌های مؤمنان تجسس و جست‌وجو نکنید، چون هر کس لغزش‌های برادران مؤمن خود را پی‌جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزش‌های وی را پی‌جویی خواهد کرد و او را بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت، هرچند که درون خانه‌اش باشد (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۷۹). اهمیت مسئله تجسس به آن دلیل است که جست‌وجو در زندگی خصوصی دیگران و یافتن و برملا کردن عیوب آنها، موجب بی‌آبرو شدن فرد در جامعه و تخریب شخصیت یک انسان است. از این رو در آیه مذکور ممنوعیت تجسس به‌طور مطلق ذکر شده است. تجسس در حریم شخصی افراد، گاه به‌صورت استراق‌سمع یا استراق‌بصر است. استراق از مصدر سرقت و در اصطلاح به معنای کاری را پنهانی و دزدانه انجام دادن است.

استراق‌سمع و بصر به موجب آموزه‌های اسلامی حرام است و قبح و زشتی آن تا حدی است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «لِي كُلِّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ كُنْبٌ حَظٌّ مِنَ الزَّانَا أَدْرَكَ ذَلِكَ لَا مَحَالَةَ، فَالْعَيْنُ زِنَاهَا النَّظْرُ، وَالرَّجُلُ زِنَاهَا الْمَشْيُ، وَالْأُذُنُ زِنَاهَا الْاسْتِمَاعُ»، برای هر عضوی از آدمی سهمی از زناست؛ زنا چشم، نگاه کردن، زنا پا راه رفتن و زنا

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا».

گوش‌ها شنیدن است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۵۵۴ و ۵۵۵). بنابراین گوش دادن و نگاه کردن حرام، هم می‌تواند مصداقی از بی‌عفتی و هم مصداقی از تجسس باشد که هر دو حالت آن به موجب شریعت اسلام حرام است. همچنین ایشان در خصوص عذاب اخروی استراق سمع فرموده‌اند: «وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ سُفْيَانُ الْأَنْكُ هُوَ الرَّصَاصُ»، کسی که به سخنان قومی گوش دهد درحالی‌که آنان راضی نیستند، در قیامت به گوش او سرب گداخته ریخته می‌شود (حویزی، ۱۳۷۳: ۹۳). اهمیت عدم استراق سمع و تفحص در حریم خصوصی شهروندان شاخصه‌ای است که به کرات در دین مبین اسلام، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تصریح و تأکید قرار گرفته و ضمانت اجرای نقض آن نیز در قانون مجازات اسلامی^۱ پیش‌بینی شده است.

امام صادق(ع) نیز در مورد تحریم و کیفر استراق سمع فرموده‌اند: «ثَلَاثَةٌ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... وَ الْمُسْتَمِعُ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ وَ هُوَ الْأَسْرُبُ»، سه کس در قیامت شکنجه شوند... کسی که گفتگوی مردمی را بشنود درحالی‌که شنیدن او را بد دانند، در گوشش سرب گداخته ریزند و در حدیث دیگری پیامبر فرموده در گوش چنین کس قلع گداخته ریزند (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۲: ۹۷۳). پیامبر اکرم(ص) نیز در خصوص حرمت استراق بصر فرموده‌اند: «مَنْ نَظَرَ فِي كِتَابِ أُخِيهِ بَغَيْرِ إِذْنِهِ، فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ»، هر کس به نوشته برادر دینی‌اش بدون اذن او نگاه کند، گویی به آتش نگاه می‌کند (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۵۹).

خداوند در خصوص استراق بصر خطاب به پیامبر(ص) می‌فرماید: «عَلَّمَ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّلُورُ»، خداوند از خیانت چشم‌ها و آنچه دل‌ها مخفی می‌کنند، آگاه است

۱. هریک از مستخدمان و مأموران دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع کند یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا کند، به حبس از یک تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

(غافر: ۱۹). مراد از این آیه، گناहانی است که برای دیگران آشکار نباشد و از آنان پوشیده باشد. خیانت چشم‌ها موارد مختلفی دارد: نگاه‌های مخفیانه و استراق بصر نسبت به زنان، اشاراتی با چشم به منظور تحقیر یا عیب‌جویی از دیگران، اشاراتی که مقدمه توطئه‌ها و نقشه‌های شیطانی است، نگاه برای تشویق به فساد و نگاه‌های تجسس‌گرانه در زندگی مردم. از امام صادق(ع) درباره آیه (یعلم خائنه الاعین) پرسیدند، حضرت فرمود: «ألم تر الرجل ينظر إلى الشيء و كأنه لا ينظر فذلک خائنه الاعین»، یعنی آیا ندید ه‌ای که گاهی شخصی چیزی را طوری نگاه می‌کند که گویا به آن نظر نمی‌کند! این است خیانت چشم‌ها (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۳۳۵). ممنوعیت این مسئله در قانون اساسی نیز به همین دلیل است. هر نوع تجسس مانند شنود و استراق سمع طبق اصل ۲۵ قانون اساسی اکیداً ممنوع است. با این وصف، در نظام اسلامی حیثیت افراد حتی افراد خطاکار نیز باید در امنیت کامل باشند، حتی اگر ضررهایی داشته باشد، زیرا منافع حفظ این اصل شرعی بسیار بیشتر است.

۵.۱. تأمین امنیت جامعه با حفظ کرامت انسان

ضرورت اتخاذ تدابیر پیشگیرانه کرامت‌مدار موجب به حاشیه رانده شدن توجیحات مربوط به مجازات و پیشگیری کیفری شده و نگاه علت‌مدار واضعان سیاست جنایی، پیشگیری اجتماعی و همچنین فردی کردن نظام اصلاح و درمان را در اولویت قرار می‌دهد.

ابعاد خصوصی زندگی انسان‌ها به شدت مورد حمایت مکتب اسلام بوده و نقض این حریم با ضمانت اجراهای اخروی و دنیوی همراه است. با وجود این سهمی از پیشروی در حریم خصوصی افراد بر مبنای عقلانیت و منطق مورد حمایت قرار گرفته است، چراکه براساس مبانی اسلامی احکام تابع مصالح و مفسد بوده و علت ممنوعیت نقض حریم خصوصی، مصلحت رعایت حق خلوت و آزادی، حفظ آبرو و هویت اجتماعی و احترام به کرامت افراد است.

اما در برخی موارد به دلیل وجود مصلحت‌های مهم‌تر فردی یا اجتماعی و از باب تراحم، حکمی که اهمیت بیشتری دارد مقدم می‌شود و به عبارتی، پیشروی در حریم خصوصی افراد به منظور حفظ آن مصالح مجاز دانسته می‌شود. در همین خصوص روایتی

از امام صادق(ع) است که تجسس از آنچه غرض عقلایی بر آن بار نباشد را از مصادیق جهل می‌داند: «الْجَهْلُ فِي ثَلَاثٍ: فِي تَبَدُّلِ الْإِخْوَانِ، وَالْمُنَابَذَةِ بِغَيْرِ بَيَانٍ، وَالتَّجَسُّسِ عَمَّا لَا يَعْنِي»، نادانی در سه چیز است. دوست عوض کردن، مخالفت کردن بدون دلیل و برهان، و پرس‌وجو از چیزهای بیهوده (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۲۷۶ و ۲۷۷).

از منظر فقه اسلامی جاسوسی علیه مخالفان و دشمنان حکومت اسلامی و نیز مراقبت و زیر نظر داشتن اعمال مأموران و کارگزاران حکومتی به دلیل وجود غرض عقلایی و منفعت اجتماعی آن مشروع و مورد تأکید است. البته به موجب آیه شریف «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹) نحوه تجسس کردن در موارد مختلف باید متفاوت باشد، به طوری که تجسس درباره کفار با سختگیری و تندی و تجسس از مأموران حکومتی با ملاحظت و ملایمت همراه باشد. به طور مثال امیرالمؤمنین علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر نخعی که به فرمانداری مصر برگزیده شده بود در خصوص مراقبت و کنترل پنهانی اعمال کارگزاران دولتی می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حَدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ. وَتَحَفُّظُ مِنَ الْأَعْوَانِ، فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَوَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَقَلَّدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ»، سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفایمندی بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانت‌کار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

به گواهی تاریخ پیامبر(ص) در جنگ‌های خود افرادی را برای جاسوسی از دشمن مأمور می‌کردند. برای مثال در مورد جنگ احد آورده شده است که چون قریش صبح روز

پنجشنبه در دهمین روز خروج از مکه به ذی‌الخَلیفه رسیدند، ابوسفیان همراه اسب‌سواران بیرون آمد و آنها را در وطاء فرود آورد. پیامبر(ص) هم شب پنجشنبه دو جاسوس به نام‌های انیس و مونس را که پسران فضاله بودند، به سوی قریش روانه کرده بود. آن دو در عقیق به قریش برخوردند و همراه ایشان حرکت کردند و هنگامی که قریش در وطاء فرود آمدند، آنها خود را به پیامبر رسانده و ایشان را باخبر کردند (واقعی، ۱۳۶۱: ۱۵۰). با وجود این جامعه اسلامی در شرایط اضطراری مثل جنگ بهره‌مندی از توان همه‌جانبه را بدون تضييع اصول مدنظر دارد.

در واقعه فتح مکه توسط رسول‌الله(ص) نیز، هنگامی که زن جاسوسی در مدینه از طرف حاطب بن ابی بلتعنه مأمور شد تا نامه وی را به دست برخی اهالی مکه برساند و آنان را پیش از رسیدن پیامبر(ص) از ماجرا آگاه سازد، در میان راه امیرالمؤمنین(ع) مانع وی شد و نامه را طلب کرد و چون آن زن که نامه را در بافه موهای خود مخفی کرده بود ممانعت و انکار کرد حضرت فرمود: «أما والله لئن لم تُخرجي الكتاب لأُكشِفَنَّكَ ثم لأُضربَنَّ عُنُقَكَ»، سوگند به خدا اگر نامه را تسلیم نکنی سرت را عریان کرده نامه را می‌گیرم و گردنت را می‌زنم (مفید، ۱۳۴۶: ۵۷). از این رو به دلیل جلوگیری از ضربه به لشکر پیامبر اسلام(ص)، تفتیش و گرفتن حجاب از سر زن جاسوس که نقض حریم خصوصی جسمانی است، مجاز دانسته شده است.

مواردی که اجازه‌ی نقض حریم خصوصی افراد داده شده است بسیار محدود و به دلیل مصلحت‌های اجتماعی، نظیر جاسوسی در زمان جنگ آن‌گونه که اشاره شد، است. می‌توان گفت هرچند حق حریم خصوصی و خلوت در آموزه‌های اسلامی مورد توجه و حمایت قرار گرفته است، ارزش‌ها و حقوق دیگری نیز در شریعت اسلام وجود دارد که در صورت تزاخم بین آنها و حق آزادی و حریم خصوصی، با توجه به عنصر مصلحت، ارزش ارجح مشخص می‌شود.

۵.۲. عدم توجیه وسیله با هدف پیشگیری در دین مبین اسلام

از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه، اقدامات کنشی غیرقهرآمیز و بیرون از دامنه نظام کیفری،

به‌مثابه ابزاری است که دولت را در رسیدن به هدف والای مهار بزهکاری بدون توسل به سرکوبگری و سزادهی یاری می‌رساند (دارابی، ۱۳۹۷: ۳۸). باری آنچه تحت لوای پیشگیری غیرکیفری، چه در وجه فردمدارانه و چه در وجه موقعیت‌مدارانه آن به‌کار گرفته می‌شود، خود بی‌نیاز از هنجارمند شدن نیست، چراکه در غیر این صورت هدف والای پیشگیری عاری از سرکوبگری، به‌کارگیری هر نوع ابزار کنشی را توجیه کرده و آنچه انتظار می‌رفت ارمغان‌آور صلاح جوامع باشد، با زیر پا گذاشتن حقوق بنیادین افراد جامعه خود مفسده‌آفرین خواهد شد.

برقراری تعادل بین تضمین حق مردم بر امنیت جانی و مالی، از یک سو و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی در برابر قوای دولتی، از سوی دیگر چندان ساده نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۲). خطر نقض این مسلمات حقوقی بر هر دو عرصه پیشگیری کنشی یعنی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی، همواره سایه گسترده است، هرچند این سایه خطر در عرصه پیشگیری وضعی بسیار پررنگ‌تر است. به‌طور مثال در پیشگیری اجتماعی مشروعیت حرفه‌ای کنشگران اجتماعی مانند مربیان، مددکاران و میانجی‌گران محل بحث است و در پیشگیری وضعی فناورانه احتمال سوء استفاده از ابزارها و انحراف از هدف اصلی و خطر نادیده گرفتن حریم شخصی و آزادی‌های افراد و زیر پا گذاشتن حقوق بنیادین وجود دارد، به‌ویژه آنکه مباحث امنیتی موجب به حاشیه رانده شدن این اصول و دامن زدن به نقض حقوق بشر می‌شود.

ظاهر متون دینی و سخنان امام علی(ع) نشان می‌دهد که قاعده نخستین در اقدام‌های پیشگیرانه این است که باید بنابر حفظ حقوق افراد باشد و چشم‌پوشی از حقوق و آزادی‌های مشروع مردم و بی‌اعتنایی به آن جز با دلیل موجه جایز نیست (شکوهی دوست، ۱۳۹۸: ۳۰). از این رو سیاست جنایی اسلام در اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه کنشی علاوه بر تأمین امنیت جانی و مالی افراد در برابر جرائم، بر تضمین حقوق و آزادی‌های مشروع آنان در جامعه نیز توجه داشته است و همواره این مهم را نصب‌العین قرار می‌دهد. دغدغه هنجارمندسازی تدابیر پیشگیری از همین مهم نشأت می‌گیرد. چنانچه حد و

مرزهای راهبردهای کنشی به موجب قوانین مدون و با ضمانت اجراهای لازم، به طور دقیق مشخص نشود، به جای تحقق پیشگیری از فساد در جامعه، خود به ابزاری مفسده‌آفرین و ناقض حقوق و کرامت افراد بدل خواهد شد.

اگرچه پیشگیری به عنوان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های نظام عدالت کیفری، مطمح نظر است، می‌بایست این مهم نیز در قالب پیش‌بینی‌های قانونی تنظیم و تدوین شود تا مبادا پیشگیری به عنوان هدف، هر وسیله‌ای را توجیه کند و با سازوکارهای غیرقانونی و تحدید یا تهدید آزادی‌های مشروع افراد جامعه و تضییق قدرت مانور آنها تخلیط شود؛ بر این اساس احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فراهم کردن زمینه‌های تحقق آن توسط دولت‌ها، اگر به پیشگیری کامل از رفتارهای مجرمانه منجر نشود، دست‌کم دامنه و اشکال بزهکاری را کاهش می‌دهد و جامعه را از توسعهٔ توسل به اقدام‌های قهرآمیز بی‌نیاز می‌کند.

۵.۳. رویکرد علت‌مدار در پیشگیری اسلامی از جرم

از آنجا که دین مبین اسلام به پیشگیری بیش از اصلاح اهتمام دارد، پیش از هر چیز به عوامل به‌وجودآورنده و زمینه‌های گناه و جرم توجه کرده و برای مقابله با آنها چاره‌اندیشی کرده و تمهیدات لازم را در بعد فردی و اجتماعی پیش‌بینی کرده است.

روشن است در سیاست جنایی عادلانهٔ دادگستری به‌طور متوازن از امنیت عمومی جامعه، امنیت حاکمیت، حقوق و آزادی‌های شهروندان دفاع می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵: ۸۹) با مذاقه در آموزه‌های اسلامی، توجه بر پیشگیری اجتماعی از بعد جامعه‌مدارانه که با ابزارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دنبال ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی افراد و زدودن عوامل جرم‌زای بیرونی همچون فقر و بی‌سوادی و بیکاری از بستر جامعه، در راستای کم کردن و مهار بزهکاری است، مشاهده می‌شود.

توصیه به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نهاد کنترل اجتماعی «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران: ۱۰۴)، تجویز ازدواج جهت پیشگیری از جرم جنسی در قرآن «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ» (نور: ۳۲) و توصیه

به آسان‌گیری در این امر در روایات «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۴۷)، توصیه به پرهیز از خلوت با نامحرم در معاشرت‌های اجتماعی «لا یخلو بامرأه الرجل فما من رجل خلاً بامرأه الا كان الشيطان ثالثهما» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۲۶۵) توصیه و تأکید فراوان بر رفع ایرادات ساختارهای اقتصادی نظیر فقر و بیکاری که خود زمینه‌ساز ارتکاب بسیاری از رفتارهای نابهنجار می‌شود، نمونه‌هایی از توجه به بعد جامعه‌ی پیشگیری از جرائم و معاصی در آموزه‌ای اسلامی است. چنانکه امام زین‌العابدین (ع) می‌فرماید: «نَعُوذُ بِكَ ... مِنْ فَقْدَانِ الْكَفَافِ ... وَمِنْ الْفَقْرِ إِلَى الْأَكْفَاءِ، وَمِنْ مَعِيشَةٍ فِي شِدَّةٍ» (صحیفه سجادیه، دعای هشتم)، یعنی خدایا به تو پناه می‌جویم ... از توان نداشتن برای تأمین نیازهای خود ... و از فقر نزد همگان و از زندگانی سخت و امیرالمؤمنان علی (ع) خطاب به فرزند خود محمد حنفیه می‌فرماید: «يَا بَنِي، سَنِي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ؛ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ، مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِيَةٌ لِلْمَمْتِ» (نهج البلاغه: حکمت ۳۱۹)، یعنی ای فرزند بیم دارم که تو فقیر شوی، پس به خدا پناه ببر از فقر زیرا فقر سبب نقص در دین و سرگردانی عقل و ایجادکننده دشمنی است. همچنان که فرموده‌اند: «لا فقر مع حسن التدبیر» (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۷۹۴)، یعنی با تدبیر درست فقری نخواهد بود. از این رو عدم رعایت رهنمودهای اقتصادی قرآنی نظیر اهتمام به دادن صدقه، زکات و انفاق از یک سو و بی‌تدبیری حکومت‌ها در عرصه اقتصادی از دیگر سو می‌تواند به افزایش فقر که خود مولد جرائم بسیار است، در جامعه دامن بزند. این در حالی است که امروزه بسیاری از دولت‌های داعیه‌دار حمایت از حقوق بنیادین بشر، به‌جای تلاش جهت بهبود شرایط اقتصادی جامعه و رفع معضلاتی مانند فقر و بیکاری، با به‌کارگیری سیاست جنایی امنیت‌مدار به پیشروی در قلمرو حقوق و آزادی‌های شهروندانی می‌پردازند که خود در زمینه گرایش به ارتکاب جرم، قربانی شرایط نامساعد اقتصادی و سیاستگذاری‌های غلط دولتمردان شده‌اند.

پیشگیری اجتماعی از بعد رشدمدارانه بر این اندیشه مبتنی است که رفتار و آداب اکتسابی دوران رشد، یعنی از تولد تا بزرگسالی زمینه‌ساز ارتکاب اعمال مجرمانه می‌شود

(ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۷۳). از این رو، با مداخلهٔ بهنگام در سیر تکوین رشد اطفال و به‌کارگیری سازوکارهای حمایتی از کودکان در معرض خطر می‌توان از ورود ایشان به دنیای بزهکاری در آینده پیشگیری کرد. بدیهی است این مهم مستلزم شناسایی عوامل موجد جرم و برخورد علی متولیان سیاست جنایی با ریشه‌های جرم است.

توجه به این مهم در آموزه‌های اسلامی با تأکید بر نقش خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و نخستین واحد اجتماعی در تکوین شخصیت افراد و نجات از آتش دوزخ در پناه این نهاد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶) و نیز جامعه‌پذیری و درونی کردن ارزش‌ها از دوران کودکی و تربیت صحیح فرزند مشاهده می‌شود، چنانکه حضرت علی (ع) خطاب به فرزند خود امام حسن (ع) فرمود: «فبادرتک بوصیتی لخصال منها: (أن تعجل) بی‌اجلی -إلی أن قال: -و أن یسقنی إلیک بعض غلبه الهوی و فتن الدنيا و تكون كالصعب النفور، و إنما قلب الحدث كالأرض الخالیة ما القی فیها من شیء قبلته، فبادر تک بالأدب قبل أن یسقو قلبک و یشتغل لبک» (حر عاملی، ۱۳۷۴: ۴۷۸)، یعنی پیش از آنکه خواهش‌های نفسانی و برنامه‌های فریبندهٔ دنیا نسبت به تو از من سبقت بگیرند و تو را سرسخت و گریزان نمایند من به تربیت تو مبادرت ورزیدم، پیش از آنکه قلبت سخت شود و برخی افکار عقل تو را اشغال نمایند، زیرا قلب جوان مانند زمین خالی است که هرچه به آن ارائه شود، می‌پذیرد.

در آموزه‌های اسلامی رویکرد علت‌مدارانه در راهکارهای کنشی و مقابله با ریشه‌های فساد، از طریق تربیت و فرهنگ‌سازی همواره در اولویت قرار گرفته است.

۶. نتیجه

فقه اسلامی سرشار از احکامی است که بر کرامت انسانی تأکید دارد؛ کرامتی که صیانت از آن موجب رشد و تعالی بشر است و تأمین امنیت، رفاه و آسایش شهروندان را زمینه‌سازی حفظ این مهم می‌داند. از این رو سیاست جنایی اسلام در برخوردهای کنشی مقابله با بزهکاری همواره بر رعایت شأن و حرمت انسان‌ها تأکید کرده است. حمایت از حریم

خصوصی، در سیاست جنایی اسلام از قدمت بسیار برخوردار است و پیش از آنکه در کنوانسیون‌های دولت‌های غربی مورد تأکید قرار گیرد، در منابع اسلامی همواره مورد توجه و تأکید بوده است. از سوی دیگر، استثناهایی که در منابع اسلامی بر ممنوعیت مداخله در امور دیگران وارد شده، بسیار محدود بوده و تنها به دلیل منافع و ضرورت‌های اجتماعی اجازه داده شده است. این در حالی است که اگرچه حقوق بشر در گفتمان متولیان دولت‌های مردم‌سالار غربی مورد حمایت بوده، در عمل و به‌ویژه در سال‌های اخیر با گسترش جامعه امنیتی و اتخاذ راهبردهای پیش‌رونده در حقوق و آزادی‌های افراد، به محاق رفته است.

مؤلفه‌ای که امروزه با استناد به ارتقای امنیت در جامعه و عقب راندن موج بزهکاری توسط دولتمردان در کشورهای غربی با قرائت‌های مختلف احزاب حاکم در کشورها ملازمت پیدا کرده است و اگرچه دولتمردان این کشورها، گفتمان خود را در طراحی تدابیر پیشگیرانه کنشی با رعایت شاخصه‌های حقوق بشری قرار می‌دهند، اما در عمل گسترش رویکردهای امنیتی، تمایل به پیشگیری موقعیت‌مدار و افزایش اختیارات پلیس و دستگاه قضایی را در دستور کار خویش قرار داده‌اند.

این در حالی است که آموزه‌های اسلامی رویکرد علت‌مدارانه در راهکارهای کنشی و مقابله با ریشه‌های فساد و جرم، از طریق تربیت و فرهنگ‌سازی همواره در اولویت قرار گرفته است. همچنین قاعده نخستین در اقدام‌های پیشگیرانه این است که باید بنابر حفظ حقوق افراد باشد و چشم‌پوشی از حقوق و آزادی‌های مشروع مردم و بی‌اعتنایی به آن جز در موارد ضروری که مصلحت جامعه اقتضا می‌کند، جایز نیست.

در جوامع اسلامی دولت‌های مردم‌سالار دینی خود را مکلف به ارتقای مؤلفه‌های رفاهی شهروندان دانسته و ایشان را مُحقِّق بر داشتن حقوق و آزادی‌های مشروع می‌دانند. روشن است این امر موجب پایبندی متولیان به آموزه‌های انسانی و حقوق بشری است و علی‌الاصول راهبرد غالب در بیشتر این جوامع تمسک به تدابیر ایجابی، اقناعی و رویکرد پیشگیرانه کرامت‌مدار و جامعه‌مدار است، که اگرچه متضمن تخصیص اعتبارات بیشتر و

زمان طولانی‌تری است، نگرانی‌های موجود در خصوص تحدید حقوق اساسی شهروندان، حذف یا طرد ایشان را مرتفع می‌سازد و از نتایج ثمربخش و پایدار طولانی‌مدتی برخوردار خواهد بود؛ از این رو با تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری افراد جامعه و احساس تعلق خاطر آنها، مشارکت فعال شهروندان و همبستگی یکایک اعضا جامعه در جهت موفقیت طرح‌های پیشگیرانه نیز رقم خواهد خورد.

در آموزه‌های دین مبین اسلام ایجاد تغییر در مرتکبان جرم و بزهکاران بالقوه از طریق خودکنترلی، تقوا، رفع محرومیت‌ها، اصلاح شخصیت و آموزش شهروندان مطمح نظر قرار گرفته است. ضمن اینکه رفتارهای ممنوعه نیز در قالب جرم و از گذر تعیین ضمانت اجرا که معرف میزان ارزش‌گذاری جامعه برای آن است، با تبعیت از اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تصریح شده و هرگونه واکنشی مانند پاسخ‌های کیفی، اداری، انضباطی و ... به‌منزله یکی از ابزارهای ضروری پیشگیری به‌منظور جلوگیری از هرگونه تجاوز به امنیت و آرامش کشور و شهروندان مدنظر است.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی (۱۳۸۳). چ اول، قم: سبط النبى.
- صحیفه سجادیه (۱۳۹۳). ترجمه ابوالحسن شعرانی، چ ششم، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و دررالکلم*، تصحیح مهدی رجایی، چ دوم، قم: دارالکتب الاسلامی.
۲. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶). *جرم‌شناسی پیشگیری*، چ چهارم، تهران: میزان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). *متن و ترجمه معانی الأخبار*، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، مصحح علی‌اکبر غفاری، چ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. سبجانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۲). *المواهب فی تحریر احکام المکاسب*، مقرر سیف‌الله یعقوبی، قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۵. شکوهی دوست، محمد (۱۳۹۸). «عوامل مؤثر در پیشگیری از وقوع جرم از دیدگاه حقوق اسلام»، *ماهنامه آفاق علوم انسانی*، ش ۳۰، ص ۳۵-۲۵.
۶. خواجه پیری، عباس (۱۳۹۶). «قلمرو حریم خصوصی در اسلام»، *دوفصلنامه شهر قانون*، ش ۲۰، ص ۲۱۹-۱۹۳.
۷. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). *مصباح الفقاهه فی المعاملات*، مقرر محمد علی توحیدی، چ اول، قم: انصاریان.
۸. حاجی ده‌آبادی، محمد علی (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی کاربردی*، چ دوم، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع).
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۷ق). *وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه*، مصحح محمد الرازی و ابی الحسن الشعرانی، چ سوم، تهران: مکتب الاسلامیه طهران.
۱۰. _____ (۱۳۷۴). *تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه*،

- محقق محمدرضا حسینی جلالی، ج ۲۱، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث.
۱۱. حویزی، عبد علی ابن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور‌التقلین*، تصحیح هاشم رسولی، چ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۱۲. دارابی، شهرداد (۱۳۹۷). *پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی*، چ دوم، تهران: میزان.
۱۳. عارفی، مرتضی (۱۳۹۲). *پیشگیری کرامت‌مدار از جرم*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مفید.
۱۴. غفوری چرخایی، حسین؛ قدرتی، محمد (۱۳۹۷). «بررسی قاعده‌لاضرر با رویکرد تطبیق بر حق کرامت انسانی»، *مطالعات حقوق*، ش ۱۹، ص ۳۰۲-۲۷۳.
۱۵. قربانی لاهیجی، زین‌العابدین (۱۳۸۴). *تفسیر جامع آیات الاحکام*، چ سوم، تهران: سایه.
۱۶. عابدزاده، اصغر (۱۳۹۸). «ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر با رویکرد قرآنی و روایی»، *پژوهش‌های اعتقادی کلامی*، ش ۳۴، ص ۱۹۸-۱۷۷.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الفروع من الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج ۵، چ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸). *ترجمه اصول کافی*، ترجمه لطیف راشدی و سعید راشدی، چ اول، قم: اجود.
۱۹. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، چ دوم، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لأحیاء التراث.
۲۰. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷). *منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی*، تلخیص سید حمید حسینی، ترجمه حمیدرضا شیخی، چ هشتم، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۲۱. _____ (۱۳۸۶). *حکمت نامه پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله و سلم (فارسی)*، ترجمه گروه مترجمان، ج ۱۲، چ اول، قم: مؤسسه علمی فرهنگی

- دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۲۲. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۰). «سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی»، *حقوق اسلامی*، ش ۳۱، ص ۹۵-۱۲۶.
۲۳. میرخلیلی، سید محمد (۱۳۹۴). «مبانی و راهبردهای سیاست جنایی اسلام»، *کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی*، ش ۲، ص ۳۴۰-۳۰۷.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴). *پیشگیری عادلانه از جرم در: علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری*، چ سوم، تهران: سمت.
۲۵. _____ (۱۳۹۳). *درآمدی بر اساسی‌سازی حقوق کیفری*، در: *گرچی، علی‌اکبر، در تکاپوی حقوق عمومی*، چ اول، تهران: جنگل.
۲۶. _____ (۱۳۹۲). *درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری*، چ اول، تهران: میزان.
۲۷. _____ (۱۳۹۴). *به سوی تعریف یک سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری*، دیباچه در: *دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد*، چ اول، تهران: میزان.
۲۸. _____ (۱۳۹۱). *درباره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)*، دیباچه در: *سودابه رضوانی، مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم*، چ اول، تهران: میزان.
۲۹. _____ (۱۳۹۵). «آیین دادرسی کیفری: جدال قدرت - امنیت و حقوق - آزادی‌های فردی در: آیین دادرسی کیفری؛ بنیان‌ها، چالش‌ها و راهکارها»، *مجموعه مقالات همایش آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی، اجتماعی و دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی.
۳۰. _____ (۱۳۹۸). *جنبش‌های سیاست جنایی*، دیباچه در: *میری دلماس - مارتی، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، چ چهارم، تهران: میزان.

۳۱. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۴، چ اول، بیروت: مؤسسه آل‌البیت(ع) لإحياء التراث.
۳۲. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۱). *المغازی: تاریخ جنگ‌های پیامبر(ص)*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

References

- The Holy Quran

1. Abedzadeh, Asghar (2019). "The necessity of enjoining the good and forbidding the evil in the present age with a Quranic and narrative approach", *Theological-Doctorinal Research*, No. 34, pp. 177-198. (in Persian)
2. *Al-Sahifa al-Sajjadiyya*. Translated by Sha'rani, Abolhassan (2014). 6 edition, Tehran International Publishing Company of Islamic Development Organization. (in Persian)
3. Amedi, Abdolwahed Ibn Muhammad (1990). *Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (M. Rajaei, Ed.). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. (in Persian)
4. Arefi, Morteza (2013). *Dignity-Oriented Crime Prevention*, Master Thesis in Criminal Law and Criminology, Mofid University. (in Persian)
5. Darabi, Shahraddad (2018). *Crime Prevention*, 2 edition, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian).
6. Ebrahimi, Shahram (2017). *Preventive criminology*, 4 edition, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian).
7. Ghafouri Charkhabi, Hossein and Ghodrati, Muhammad (2018). "Examining the harmless rule with the approach of applying the right to human dignity", *Law Studies*, No. 19, pp. 273-302. (in Persian)
8. Ghorbani Lahiji, Zain Al-Abedin (2005). *Comprehensive interpretation of the verses of the rulings*, 3 edition, Tehran: Sayeh. (in Persian)
9. Haji Dehabadi, Muhammad Ali (2018). *Applied Criminology*, second edition, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. (in Persian)
10. Har'amli, Muhammad Ibn Hassan (1977). *Shiite means to study Sharia issues*. Edited by Mohammad Al-Razi and Abi Al-Hassan Al-Sharani; 3 edition, Tehran: Islamic School of Tehran. (in Persian)
11. ----- (1995). *Details of Shiite means to study Sharia issues*, Researcher Mohammad Reza Hosseini Jalali; C 21, Qom: AL Al-Bayt Foundation for Heritage Revival. (in Persian)
12. Havizi, Abed Ali Ibn Jomeh (1995). *Interpretation of Noor al-Thaqalin*, Edited by Hashem Rasouli, 4 edition, Qom: Ismailian. (in Persian)
13. Ibn Babawiyah, Muhammad Ibn Ali (1998). *Text and translation of Ma'ani al-Akhbar*. Translated by Abdul Ali Mohammadi Shahroudi, edited by Ali Akbar Ghaffari, 2 edition, Tehran: Islamiah Dar alkotob. (in Persian)
14. Khajeh Piri, Abbas (2017). "The realm of privacy in Islam", *City of Law*

- Quarterly*, No. 20, pp. 193-219. (in Persian)
15. Khoei, Abolghasem (1997). *The lamp of jurisprudence in transactions*, By the pen of Mohammad Ali Tawhidi; Qom: Ansarian. (in Persian)
 16. Klini, Muhammad Ibn Yaghob (1988). *Al-Foroa Al-Kafi*. Edited by Ali Akbar Ghaffari, Vol. 5, 3 edition, Tehran: Islamic Library. (in Persian)
 17. Klini, Muhammad Ibn Yaghob (2009). *Usul Al-kafi*, Translators Latif Rashedi and Saeed Rashedi, Qom: Ajoud. (in Persian)
 18. Mir Khalili, Seyed Mahmood (2011). "Blocking the Means and Preventing Crimes in the Islamic Teachings", *Islamic Law*, No. 31, pp. 95-126. (in Persian)
 19. Mir Khalili, Seyed Mahmood (2015). "Principles and strategies of Islamic criminal policy", *Specialized Commission of Islamic Jurisprudence and Law*, No. 2, pp. 307-340. (in Persian)
 20. Mohammadi Rishahri, Muhammad (2007). *The Wisdom Letter of the Great Prophet (peace and blessings of Allaah be upon him)* (Persian). Translator of the group of translators, Vol. 12, First edition, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. (in Persian)
 21. ----- (2008). *Selected of Mizan Al-Hekmah with Persian translation*, Summary of Seyed Hamid Hosseini, translated by Hamid Reza Sheikhi, Vol. 1, 2 edition, Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. (in Persian)
 22. Mufid, Muhammad Ibn Muhammad (1993). *Al-Rashad Fi Ma'rif Hajjullah Allah Ali Al-Ibad*, 2 edition, Qom: AL Al-Bayt Foundation for Heritage Revival. (in Arabic)
 23. *Nahj al-Balaghah*. translated by Dashti, Muhammad (2004). First edition, Qom: Sebtanabi Publishing. (in Persian)
 24. Najafi abrاندabadi, Ali Hossein (2012). *on security (from the right to security to the right to security)*, Introduction to: Soodabeh Rezvani, Humanitarian Risk Management, First Edition. Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
 25. ----- (2013). *An Introduction to Research in the Criminal Justice System: Opportunities and Challenges in: Requirements for Research in the Criminal Justice System*. First edition, Tehran: Mizan Publications. (in Persian)
 26. ----- (2014). *An Introduction to the Establishment of Criminal Law*, in: Georgian, Ali Akbar, In the Struggle for Public Law, First edition, Tehran: Jangal Publications. (in Persian)
 27. ----- (2015). *Fair Crime Prevention in: Criminal Science*, a collection of articles in honor of Professor Dr. Mohammad Ashouri, 3 edition, Tehran: Samat Publications. (in Persian)
 28. ----- (2015). *Towards a Definition of a National Crime Prevention Policy*, Introduction to: Oxford Encyclopedia of Crime Prevention, First edition, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
 29. ----- (2016). *Criminal Procedure: Power Struggle - Security and Rights - Individual Freedoms in: Criminal Procedure; Foundations, Challenges and Solutions*, Proceedings of the Criminal Procedure Conference,

Tehran: Shahid Beheshti University Vice Chancellor for Cultural, Social and Student Affairs. (in Persian)

30. ----- (2019). *Criminal Policy Movements*, Introduction to: Miri Delmas-Marty, *The Great Systems of Criminal Policy*, Vol. IV, Mizan Publishing. (in Persian)
31. Nouri, Hossein Ibn Muhammad Taghi (1988). *Mustadrak al-Wasa'il and Mustanbat al-Masa'il*, Vol. 14, First edition, Beirut: Al AL Al-Bayt Foundation for Heritage Revival. (in Arabic)
32. Shokohi Doust, Muhammad (2019). "Effective factors in crime prevention from the perspective of Islamic law", *Afagh Humanities Monthly*, No. 30, pp. 25-35. (in Persian)
33. Sobhani Tabrizi, Jafar (2003). *Al-Mawaheb in writing the rules of gain*. By the pen of Saifullah Yaqubi, Qom: Imam Al-Sadiq (AS) Institute. (in Persian)
34. Waqidi, Muhammad Ibn Omar (1942). *Al-Maghazi: History of the Prophet's wars*. Translated by Mahmoud Mahdavi Damghani, First edition, Tehran: University Publishing Center. (in Persian)